

فاطمه السادات معلومی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۰

سعید ساطعی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۵

چکیده

در دهه‌های اخیر شاهد اهتمام پژوهش‌گران روابط بین‌الملل به موضوعات جدیدی هستیم که با وجود ماهیت غیرسیاسی اولیه، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری سیاست‌های نوین در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کرده‌اند. مسایل زیست‌محیطی و بحران آب از آن جمله‌اند. مشکلات مربوط به آب با وجود ابعاد جهانی آن، در کمتر جایی از کره زمین به اندازه خاورمیانه صبغه سیاسی-امنیتی یافته و بر سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشورهای این حوزه تاثیر نهاده است. یافته‌های موجود گویای آن است که از این پس دو پدیده افزایش دما و کاهش بارش به صورت کوتاه و بلندمدت امنیت زیست‌محیطی کشورها را با چالش‌های بنیادی روبه‌رو خواهند کرد. در کنار عوامل یاد شده مسایلی مانند مدیریت ناکارآمد، سنتی و کمی محور و فرهنگ مصرف و سوداگری افسارگسیخته حاکم بر بخش‌هایی از جوامع به فروسایبی بنیادهای زیستی کشورها انجامیده‌اند؛ که نشانه‌های آن در قالب پیدایش کانون‌های ریزگردساز داخلی، نابودی جنگل‌ها، خشکیدن تالاب‌ها و رودهای دائمی، آلودگی هوای شهرها، سوزاندن جنگل‌ها و مراتع، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و فرسایش خاک، نمود یافته‌اند. مقاله حاضر تلاشی برای شناسایی ریشه‌ها، ابعاد و دورنمای بحران آب و خشکسالی و چگونگی مدیریت آن در خاورمیانه است. هرچند که داده‌های موجود نشان می‌دهند که کشورهای منطقه خاورمیانه همگی در برابر تهدیدهای زیست‌محیطی آسیب‌پذیر بوده و به دلیل درگیری و کشمکش‌های فراوان به تنهایی از عهده این تهدید بر نمی‌آیند و به همین دلیل تاکنون نتوانسته‌اند به یک سازمان منطقه‌ای کارآمد دست یابند.

واژگان کلیدی: خشکسالی، بحران آب، خاورمیانه، ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل، ریزگردها،

راه‌کارهای حقوقی.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی - روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. mehrak_maloomi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق - حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی. s.satei16@gmail.com

مقدمه

خشکسالی به‌عنوان بلای طبیعی و پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر از دیرباز در پهنه وسیع کشورهای مختلف به‌خصوص کشورهای مستقر در مناطق گرم و خشک به کرات وقوع یافته و می‌یابد. بحران خشکسالی، یکی از ناهنجاری‌های اقلیمی است که اثرات نامطلوبی بر روی گیاهان، جانوران و نهایتاً انسان و محیط‌های اکولوژیک دارد.

خشکسالی را نباید صرفاً به‌عنوان پدیده‌ای کاملاً فیزیکی یا طبیعی در نظر گرفت. تأثیرات آن در جامعه حاصل یک رخداد طبیعی (بارش کمتر از حد مورد انتظار به دلیل تغییرات اقلیمی) و نیاز مردم به منابع تامین آب می‌باشد. انسان‌ها معمولاً از تأثیرات خشکسالی لطمه می‌بینند. خشکسالی‌های اخیر در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نتایج اقتصادی، تأثیرات زیست‌محیطی و دشواری‌های شخصی به بار آورده که جملگی باعث شده‌اند که آسیب‌پذیری تمامی جوامع به این پدیده زیان‌بخش طبیعی مدنظر قرار گیرد.

پدیده بحران آب سال‌ها است که به‌عنوان مقوله‌ای مخاطره‌انگیز و نگران‌کننده در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته و صاحبان امر و متخصصین همواره به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ به نحوی که حتی در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی با وجود دارا بودن منابع بسیار غنی از این نعمت خدادادی، باز هم توجه ویژه‌ای به مدیریت مصرف، نگهداری و توزیع این منابع باارزش داشته‌اند. قرن بیست و یکم را می‌توان قرن جهانی آب و جنگ اصلی کشورها بر سر تصاحب منابع آب دانست. با توجه به این که منطقه خاورمیانه و آفریقا جزء مناطق خشک و کم آب جهان است، کشورهای این منطقه با بحران کمبود آب مواجه هستند. بحرانی که عدم برون رفت از آن می‌تواند مشکلات بسیاری برای ملت‌ها به‌وجود آورد.

آب یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های قرن حاضر است که می‌تواند سرمنشا بسیاری از تحولات جهان قرار گیرد. در حالی که ۹۷ درصد آب کره زمین در دریاها و دریاچه‌ها است و آب شور را تشکیل می‌دهد و تنها ۲/۵ تا ۲/۷۵ درصد باقی‌مانده آب شیرین است. کاهش توان تامین آب و شدت تقاضا در جهان موجب خلایی گردیده که بی‌شک بحران‌آفرین است. این عدم تعادل در بعد محلی، منطقه‌ای، ملی و چه در بعد جهانی تنها با مجموعه راهکارهای مدیریتی قابل مهار است.

شدت تقاضا، محدودیت روزافزون منابع آبی، نبود منابع جایگزین و وابستگی حیات کره خاکی

در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... به آب، روزبه‌روز اهمیت بحران آب و ارزش این ماده حیاتی را بیش‌تر روشن می‌سازد.

خشکسالی به‌عنوان بحرانی جهانی

در حالی که خشکی یک صفت اقلیمی و ویژگی همیشگی آب و هوایی مناطق خشک به‌شمار می‌آید، خشکسالی پدیده‌ای است که از کاهش پیش‌بینی نشده بارش در مدتی معین در منطقه‌ای که لزوماً خشک نیست، سرچشمه می‌گیرد. میزان این کاهش به اندازه‌ای است که روند عادی رشد را در منطقه مختل می‌سازد و آثار بی‌درنگ و زیان‌بار بر کشاورزی و آثار درازمدت بر عرضه منابع آب دارد؛ بنابراین خشکسالی ویژگی همیشگی یک ناحیه نیست و در هر رژیم آب و هوایی می‌تواند روی دهد.

پژوهش‌گران مسئله خشکی را پدیدآورنده بیابان‌های اصلی زمین به‌شمار می‌آورند و روند بیابان‌زایی را به دو عامل طبیعی (آب و هوا) و انسانی مربوط می‌دانند. عوامل طبیعی در ایجاد خشکسالی تعیین‌کننده‌اند و نقش انسان که خود باعث دگرگونی میکروکلیمای می‌شود، انکارناپذیر است. به‌طورکلی امروزه پذیرفته‌ایم که خشکسالی‌های سخت، برآیند تغییرات چرخش اتمسفری است و بسیاری از اقلیم‌شناسان خشکسالی‌های گسترده را به پدیده «ال‌نینو»^۱ مربوط می‌دانند (شهاب‌الملک فرد، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

در مناطقی که کمبود فاحش آب به چشم می‌خورد، توازن اکوسیستم بسیار ناپایدار است و دگرگونی هر عامل سبب ایجاد دگرگونی در کل سیستم می‌شود. سرزمین‌های خشک که پهنه‌ای گسترده در سطح کشور را به خود اختصاص داده‌اند به بروز تغییرات اندک در تبادل آب و انرژی حساس بوده و بازتاب این تاثیر را در پوشش گیاهی نمایان می‌سازند (شهاب‌الملک فرد، ۱۳۸۳: ۲۱۰). شرایط نامساعد آب و هوایی به عمل تخریبی کوچکی در اکوسیستم منجر می‌شود و مجموعه عملیات تخریبی کل سیستم را در سراشیب قرار می‌دهد. در مناطقی که از نظر اقلیمی خشک،

1. Microclimate.

خرد اقلیم یا میکروکلیمای علم بررسی عوامل و عناصر آب و هوایی تا مقیاس دو متری سطح زمین می‌باشد.

2. El Niño.

ال نینو (به اسپانیایی) یکی از چرخه‌های مشهور آب و هوایی جهان است که هر ۲ تا ۷ سال یک بار باعث ایجاد ناهنجاری‌های بزرگی در آب و هوای سراسر سیاره زمین می‌شود. از جمله این ناهنجاری‌ها می‌توان به سیلاب‌های ناگهانی، خشکسالی، قحطی و اپیدمی اشاره کرد.

نیمه‌خشک و حتی نیمه‌مرطوب باشند، زمینه پذیرش آثار زیان‌بار تخریبی وجود دارد. زمین‌های این نواحی چنان‌چه با خشکسالی‌های پی‌درپی روبه‌رو شوند، زمینه مناسبی در راستای بیابانی شدن از خود بر جای می‌گذارند که نمونه‌های بسیاری از آنها در جغرافیای امروز جهان دیده می‌شود. همچنین جغرافیای دیرینه نشان می‌دهد که تحولات آب و هوایی در طول تاریخ توانسته است به بیابان‌زدایی کمک کند و مرتع و جنگل پدید آورد. از این‌رو شناخت علت‌های خشکی و خشکسالی و راه‌کارهای مقابله با آن می‌تواند از به‌دراز کشیدن خشکسالی جلوگیری کند و زیان‌های آنی آن را کاهش دهد (شهاب‌الملک فرد، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

علت خشکی و خشکسالی در جهان

هر چند عوامل طبیعی در ایجاد خشکسالی تعیین‌کننده‌اند و نقش انسان که خود باعث تغییر میکروکلیم می‌شود، انکار ناپذیر است؛ علت‌های بروز خشکی در زیر به‌گونه فشرده‌ارایه می‌شود:

۱) استقرار سلول‌های فشار زیاد حاره‌ای

این سلول‌ها بین عرض جغرافیایی ۴۰-۲۰ درجه شمالی و جنوبی، به‌ویژه در بخش باختری اقیانوس‌ها در ارتفاعات پایین و بر فراز قاره‌ها که در سطح خاک بر اثر گرفتن گرما از زمین جریان صعودی می‌یابند و پیوسته وجود دارند؛ اما حرکت این توده هوا در ارتفاع بالاتر متوقف می‌شود. نشست هوا، خشکی بیابان‌های بزرگ حاره‌ای را به‌دنبال دارد.

۲) نشست اوروگرافیک^۱ (مربوط به کوهستان) توده هوا

یک نشست اوروگرافیک می‌تواند نتیجه وجود ناهمواری‌های بلند باشد. نشست‌های کوهستانی باعث شده است که خشکی حوضه‌های ایران، افغانستان، آسیای مرکزی، روسیه، چین و مغولستان گسترده‌تر شود.

۳) عامل بری بودن در منطقه حاره‌ای

از سوی دیگر عامل بری بودن در منطقه حاره‌ای مانند منطقه معتدل، افزایش و تشدید خشکی، یا پیش‌روی آن به سوی عرض‌های جغرافیایی بالاتر را توجیه می‌کند. در مسافت طولانی قاره‌ها، هوای آکنده از آشوب و تلاطم باعث می‌شود که رطوبت با همان شتابی که با برجستگی‌های عرضی

1. Orographique.

برخورد می‌کند، از دست برود.

۴) جابه‌جا شدن هوا در سطوح پایین

حتی در هوای مرطوب، جابه‌جا شدن شدید هوا در سطوح بالا می‌تواند دلیل عمده پدیده خشکی باشد. دشت‌های بزرگ جنوبی ایالات متحده در تابستان و نواحی مدیترانه‌ای که به‌طور طبیعی از جبهه قطبی دورند، این پدیده را تایید می‌کنند.

۵) جریان‌های دریایی

جریان‌های دریایی به مانند چرخش عمومی جو در تعیین ویژگی‌های آب و هوایی و گسترش آنها و ناهماهنگی آنها در بخش‌های باختری و خاوری قاره‌ها در منطقه بین مدارها، به‌ویژه در نیم‌کره جنوبی موثر است. جریان‌ها و بالاراندگی آب‌های سرد باعث می‌شود که رابطه دینامیکی با سلول‌های واگرایی حاره‌ای، نشست توده‌های هوا در بخش‌های باختری قاره‌ها و بسیار دور به سوی باختر در داخل اقیانوس‌ها، شدت یابد.

۶) تغییرات چرخه موسمی‌های تابستانی

این پدیده موجب تاخیر یا نفوذ نیافتن هوای حاره اقیانوسی به داخل خشکی می‌شود. همه نقاط جهان به‌گونه گذرا و در فاصله‌های زمانی به ظاهر نامنظم دچار خشکسالی می‌شوند؛ ولی اثر این پدیده و در نگاهی گسترده‌تر اثر هرگونه تغییر اقلیمی در نواحی حاشیه‌ای آشکارتر و چشم‌گیرتر است. علت‌های بروز خشکسالی‌ها را باید در ناهنجاری‌های گردش عمومی جو جست‌وجو کرد (شهاب الملک فرد، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

بحران آب به‌مثابه تهدید جهانی

آب به‌عنوان عنصر اساسی خلقت و یکی از عمده‌ترین نیازهای بی‌جایگزین بشری، امروزه در نقاط بی‌شماری از جهان در وضعیت نامطلوبی که در بسیاری از موارد می‌توان آن را «بحرانی» نامید، قرار دارد. خاورمیانه یکی از نمونه‌ها و مصادیق این مناطق بحرانی است.

در خاورمیانه که یکی از کهن‌ترین مراکز تمدن بشری است، آب همواره موهبتی آسمانی و گاه حتی عنصری مقدس و پرستیدنی به‌شمار می‌آمده است. کمبود و مهمتر از آن توزیع پراکنده آب در این منطقه نیمه خشک، دو عامل دیرپایی هستند که اغلب برای ساکنان این منطقه

مشکل آفریده‌اند. این تضییقات طبیعی از روزگاران کهن، نظام اداری پیچیده‌ای را برای تقسیم و سهمیه‌بندی آب موجود ایجاد کرده و دیوان‌سالاری خاصی را پدید آورده که از سوی پاره‌ای از محققان به «استبداد شرقی» تعبیر شده است (فغانی، ۱۳۷۸: ۳).

بحران آب اگرچه ابعاد جهانی داشته و گریبان‌گیر جوامع بسیاری است؛ اما شاید در هیچ جای دیگری به اندازه خاورمیانه بر سیاست‌های ملی و منطقه‌ای کشورها تاثیر نهاده است. از نظر تاریخی در خاورمیانه که تقریباً تمامی منابع عمده آب آن مورد استفاده مشترک کشورهای این منطقه است، آب همیشه یک منبع عمده تولید خشونت بوده و هنگامی که با خصومت‌های قومی، اختلافات ارضی و مرزی و تعارضات سیاسی و مذهبی نیز امتزاج یافته، در ورای مسایل اقتصادی قرار گرفته است و به حربه‌ای سیاسی در معادلات منطقه تبدیل گردیده که هر لحظه توان برافروختن آتش جنگی فراگیر را داشته است.

در خاورمیانه پیش از آن که نفت کشف شود و اهمیت امروزه خود را در شکل‌دهی به فضای سیاسی منطقه به دست آورد، آب یکی از عوامل اصلی و تاثیرگذار بر دوستی‌ها و خصومت‌های کشورهای منطقه بوده و با توجه به روندهای موجود روزبه‌روز به طرز اعجاب‌انگیزی بر اهمیت سیاسی و امنیتی آن افزوده می‌شود. تردیدی نیست که معادلات آتی این منطقه بیش از هر چیز دیگری متأثر از آب خواهند بود. تحقیقات به عمل آمده از سوی مراکز معتبری نظیر بانک جهانی، مرکز مطالعات استراتژیک لندن، آژانس ایالات‌متحده آمریکا برای توسعه بین‌المللی و ده‌ها مرکز تحقیقاتی بین‌المللی و منطقه‌ای دیگر نیز موید این مدعاست. هم‌چنین بسیاری از محققان مشهور مسایل خاورمیانه از جمله جویس استار، دنیل استول، عادل درویش، جان بالوچ، الیاس سلامه و... هم در خلال تحقیقات گسترده و عالمانه خود به همین نتیجه رسیده‌اند.

علاوه بر مراکز تحقیقاتی و پژوهش‌گران، سیاست‌مداران صاحب نام جهانی و بسیاری از رهبران منطقه نیز از آب به‌عنوان عامل اصلی جنگ‌های آتی خاورمیانه یاد کرده‌اند (فغانی، ۱۳۷۸: ۴). از اوایل دهه ۱۹۸۰ دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات‌متحده آمریکا اعلام داشتند که لاقلاً در ده نقطه از جهان احتمال بروز جنگ بر سر مسئله نقصان آب‌های مشترک و توزیع ناعادلانه آنها وجود دارد که بیش‌تر این مناطق در خاورمیانه قرار دارند (استار، ۱۳۷۱: ۴۵).

در خاورمیانه شرایط خاصی وجود دارد که بحران آب را در آن، در مقایسه با نقاط دیگر دنیا،

عمیق‌تر و جدی‌تر می‌سازد. کمبود طبیعی منابع آب، توزیع نامتوازن آنها، اشتراکی بودن بسیاری از منابع موجود، افزایش بی‌رویه جمعیت، نقصان شدید منابع و ذخایر آب، فقدان یا پرهزینه بودن سیستم‌های جایگزینی این منابع، اقتصاد متکی بر کشاورزی کشورهای منطقه، اجرای برنامه‌های نامعقول و بلندپروازانه کشاورزی از سوی پاره‌ای از این دولت‌ها که عمدتاً ناشی از ملاحظات سیاسی و نه اقتصادی است؛ سوءمدیریت ملی و جمعی در بهره‌برداری از منابع محدود موجود و پیشینه‌های خصومت‌آمیز از جمله این شرایط خاص هستند که موجب تطویل منازعات کشورهای خاورمیانه شده و از حصول توافق پایدار میان آنها ممانعت به عمل آورده‌اند.

فقدان و نارسایی قوانین بین‌المللی در خصوص بهره‌برداری از آب‌های مشترک هم‌مزید بر علت شده و بر عمق و گستره بحران آب در این منطقه می‌افزاید. به‌گونه‌ای که از دهه گذشته تاکنون مسئله آب همواره یکی از محورهای مهم مذاکرات و فعل و انفعالات سیاسی خاورمیانه بوده است (فغانی، ۱۳۷۸: ۵).

بحران آب در خاورمیانه

خاورمیانه در مرکز تقاطع آفریقا، آسیا و اروپا، جایی که دریا در خشکی نفوذ کرده واقع شده است و محل تلاقی شرق و غرب به‌شمار می‌آید. چهار تنگه و آبراه استراتژیک جهان و نیز ترافیک هوایی و دریایی سنگینی که در این منطقه وجود دارد، آن را به صورت چهارراه جهان در آورده است. این منطقه ترانزیتی که در پی نضج گرفتن فعالیت‌های استعمارگران غربی در ممالک ماورا بحار ابعاد نظامی مضاعفی یافته بود با کشف نفت در جای جای آن، اهمیت افزون‌تری خاصه در بعد اقتصادی پیدا کرد (همان، ۳۳).

کشورهای خاورمیانه خصوصیات مشترک زیادی دارند. پس از زبان عربی و دین اسلام، شاید بتوان اقلیم خاورمیانه را فراگیرترین وجه اشتراک بخش‌های مختلف آن دانست. ویژگی اساسی این منطقه، تابستان‌های به شدت خشک و بهار و زمستان‌هایی است که بیش‌ترین بارش سال در آنها به وقوع می‌پیوندد. علت اصلی خشکی منطقه، گسترش یک رشته کوه‌های بلند در نواحی غربی خاورمیانه است که مانع عبور بادهای مرطوب از جانب اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه در درون منطقه می‌گردد.

از جمله نتایج خشکی، زمین‌های خشک و لم یزرعی است که ۹۰٪ از اراضی منطقه را شامل می‌شوند و جمعیت نسبی کمی است که از نظر توزیع نیز پراکنده هستند. در این جا موفقیت فعالیت‌های انسانی به‌ویژه در زمینه کشاورزی و دامپروری به شرایط جوی و وقوع بارندگی بسته است. تغییرات شدید نزولات سالانه، کمبود آب و خصوصاً توزیع نامتعادل آن از دیگر ویژگی‌های عمده خاورمیانه است (اطاعت، ۱۳۷۴: ۷).

منابع طبیعی از جمله آب در خاورمیانه همواره آثار مهمی داشته‌اند. ذخایر عظیم نفت و بر عکس آن، کمبود شدید منابع آب مصرفی دو عامل عمده تنش‌های فرامنطقه‌ای و درون منطقه‌ای خاورمیانه هستند. نفت، تنش سیاسی بین کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای را موجب می‌شود و کمبود آب اغلب زمینه‌ساز درگیری‌های درون منطقه‌ای است. وجود منابع عظیم نفت از مدت‌ها پیش حیات سیاسی کشورهای خاورمیانه را تحت تاثیر قرار داده بود و اکنون معضل آب ثبات سیاسی منطقه را دچار تزلزل کرده است (خوش‌رفتار، بی‌تا: ۲۳).

منابع آب این منطقه اعم از نزولات جوی و آب‌های موجود در سطح و اعماق زمین از دو بعد مورد توجه می‌باشند: کمیت و کیفیت. بعد اول معمولاً به کمک اطلاعات و امار مربوط به بارش‌ها و روان‌آب به خوبی توصیف می‌شود؛ اما بعد دوم مطالعات وسیعی را می‌طلبد که اغلب از آن غفلت شده است. کیفیت آب معمولاً با مشخصات شیمیایی فیزیکی و میکروشناسی آن ارزیابی می‌شود (فغانی، ۱۳۷۸: ۳۵).

میزان نزولات جوی در کل خاورمیانه به دو عامل بستگی دارد، نخست نزدیکی به منابع اصلی رطوبت؛ یعنی دریای مدیترانه، دریای سیاه و دریای خزر و دوم ارتفاع جغرافیایی. در مجموع کل نزولات با دور شدن از دریای مدیترانه به سمت شرق و جنوب کاهش می‌یابد. در منتهی الیه شمال منطقه، در طول سواحل دریای سیاه و دریای خزر در تمام طول سال بارش‌های مکرر ادامه دارد. این بخش بیش‌ترین میزان از کل بارش‌های منطقه را به خود اختصاص می‌دهد. در خاورمیانه مناطقی که نزولات سالانه آنها بیش از ۶۰۰ میلیمتر باشد فوق‌العاده محدودند (بیرمونت، ۱۳۶۹: ۷۴).

خط ساحلی شرق مدیترانه در سوریه، لبنان، فلسطین اشغالی و کوه‌های پشت آن نیز منطقه دیگری است که از نزولات جوی بیش‌تری برخوردار است. آخرین منطقه پر نزولات خاورمیانه کمربند بلند و ناپیوسته‌ای است که از شرق ترکیه شروع می‌شود و در جهت جنوب شرقی به موازات

کوه‌های زاگرس امتداد می‌یابد. از میان همه کشورهای خاورمیانه تنها دو کشور ترکیه و لبنان فاقد مناطق فوق‌العاده خشک با نزولات سالانه کمتر از ۲۰۰ میلیمتر می‌باشند. در مقابل بیش از سه چهارم کل زمین‌های مصر و عربستان مجموع نزولاتی را که سالانه دریافت می‌کنند کمتر از ۲۰۰ میلیمتر می‌باشد. در سایر کشورهای منطقه گستره‌ای از تغییرات بین این دو حد دیده می‌شود. بارش‌های منطقه اغلب بسیار نامنظم و از فصلی به فصل دیگر در نوسان شدید می‌باشند. به طوری که گاهی پس از چند سال خشکسالی پی در پی، بارش شدید و ناگهانی منجر به وارد آمدن خسارات و تلفات می‌گردد (بیرمونت، ۱۳۶۹: ۸۶).

راهکارهای حقوقی برای مقابله با بحران آب و خشکسالی

پیشرفت‌های مادی به دست آمده در جوامع بشری در نیمه دوم قرن بیستم به‌ویژه سال‌های پایانی آن، با هیچ مقطع مشابه دیگری در تاریخ زندگی انسان‌ها قابل مقایسه نیست. توسعه ارتباطات، انفجار اطلاعات، گسترش فناوری‌ها و پیشرفت‌های صنعتی بشر در این مقطع کوتاه به حدی چشمگیر است که نه تنها حیات انسان و دیگر موجودات کره زمین را از جهات مختلفی تحت تاثیر قرار داده، بلکه موجب بروز دگرگونی‌هایی در فضای پیرامونی زمین نیز گردیده است (فغانی، ۱۳۷۸: ۲۴).

به موازات پیشرفت‌های شگرف و شگفتی که حاصل شده، نگرانی‌های خاصی هم که تا چند دهه قبل اصولاً هیچ‌گونه موضوعیتی نداشتند، بروز و ظهور یافته و منشا تجدید نظر در بسیاری از مفاهیم جا افتاده معارف بشری در رشته‌های مختلف از جمله روابط بین‌الملل گردیده‌اند. نگرانی‌های زیست محیطی از جمله دغدغه‌های تازه‌ای هستند که افق‌های جدیدی در روابط بین‌الملل گشوده و مفاهیمی چون حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها را به چالش گرفته‌اند.

اکنون هنگامی که در مباحث روابط بین‌الملل از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها سخن به میان می‌آید، حیطة مشخص و محدودتری مورد توجه قرار می‌گیرد و این باور که هیات حاکمه کشورها مجاز به هر نوع استفاده‌ای از امکانات و منابع موجود در درون مرزهای سیاسی خود باشند، مقبولیت گذشته را ندارد.

در دنیای امروز کمتر پروژه معظمی را می‌توان یافت که پیش از اجرای آن پیامدهای زیست

محیطی و آثار جانبی آن به دقت مطالعه نشده باشد. اگر تنها یک قرن به گذشته باز گردیم موارد بسیار نادری را خواهیم یافت که کشوری هنگام احداث سد یا بندی بر رودخانه‌ای که از درون آن کشور سرچشمه می‌گیرد، یا می‌گذرد نگران واکنش همسایگانش باشد؛ اما اکنون کوچک‌ترین اقدامی در مورد منابع مشترک با حساسیت تمام از سوی سایر طرف‌های ذینفع و حتی بسیاری دیگر از سازمان‌های بین‌المللی و یا غیر دولتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (فغانی، ۱۳۷۸: ۲۵).

متأسفانه در حال حاضر سرعت تحولاتی که در جوامع روی می‌دهند از روند فراهم آوردن مبانی حقوقی آنها بسیار بیشتر است و با وجود تلاش‌های پیگیر و وسیعی که در سطح بین‌المللی در خصوص تدوین مقررات جامع و دقیق ناظر بر این تحولات صورت گرفته و می‌گیرد، هنوز هم حقوق بین‌الملل درباره بسیاری از این مسایل مستحدثه از جمله بهره‌برداری از منابع مشترک آبی فقیر است و دستخوش تعبیرات گوناگون می‌باشد. تا آن‌جا که هنوز تعریف دقیقی از منابع بین‌المللی آب و میزان حاکمیت دولت‌ها بر این منابع، آن‌گونه که مورد قبول همگان باشد، ارایه نشده است (فرشادگهر، ۱۳۶۷: ۱۷۷).

مسایل اساسی پروتکل و قوانین بین‌المللی در بهره‌گیری از منابع آب مشترک

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، رودها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: رودهای ملی و رودهای بین‌المللی. رودخانه‌های ملی، رودخانه‌هایی هستند که در داخل یک کشور جاری هستند. این قبیل رودها قسمتی از قلمرو سرزمینی کشورها محسوب می‌شوند. رودهای بین‌المللی رودهایی هستند که از داخل چند سرزمین عبور می‌کنند و دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می‌سازند. ماده ۳۳ قرارداد ورسای (۱۹۱۹)، رودخانه بین‌المللی را رودی می‌داند که قابل کشتیرانی بوده و بیش از یک کشور را به آب آزاد مرتبط نماید (بای، ۱۳۸۴: ۱۹).

رودهای بین‌المللی که با ویژگی‌هایی چون قابلیت کشتیرانی، عبور از چند کشور، جداسازی دو یا چند قلمرو سرزمینی و اتصال آنها به آب‌های آزاد، قابل شناسایی هستند، یکی از مهمترین موضوعات هیدروپلیتیک^۱ را شکل می‌دهند. به گواه تاریخ، رودهای بین‌المللی همواره از مناقشه‌برانگیزترین مسایل در روابط بین‌الملل هستند؛ این موضوع به‌ویژه در منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه و آسیای

1. Hidrographic.

جنوب غربی و شمال آفریقا، همواره از حساسیت خاصی برخوردار بوده است. امروزه رودهای بین‌المللی غیر از استفاده‌های سنتی، تعیین خط مرزی و استفاده استراتژیک و صید ماهی و... به طرق گوناگون در کشاورزی، صنعت و کشتیرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این میان، منافع متضاد کشورها مانع توافق نظر در حل مسایل ناشی از استفاده از آب رودهای بین‌المللی می‌شود. به همین دلیل سازمان ملل در این خصوص باید نقش بیشتری را به عهده گیرد. در حالی که تنها سازمانی که از این طریق، ایجاد شده است، سازمان ترانزیت بین‌المللی جامعه ملل بوده است که وظایف و مسئولیت‌های آن عبارت بودند از:

● تدارک یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه مسایل اداری و فنی و مسایل حقوقی رودهای بین‌المللی؛

- فیصله دادن به منازعات بر سر رودهای بین‌المللی بر مبنای اساسنامه‌های آن کنوانسیون؛
- تحقیق و تفحص در اوضاع اقتصادی و فنی حاکم بر آبراه‌های بین‌المللی؛
- ایجاد ارتباط با کمیسیون‌های رودخانه‌ای و ارکان آنها؛
- جمع‌آوری و توزیع اطلاعات کشتی‌رانی سرزمینی.

از آن هنگام تاکنون، تشکیلات بین‌المللی مشابهی که در چارچوب سازمان ملل متحد عمل کند، ایجاد نشده است و تنها دولت‌های ذی‌نفع و ساحلی هستند که با گردهم‌آیی و همکاری با یکدیگر، زمینه‌های تشکیل کمیسیون‌های بین‌المللی را فراهم ساخته‌اند (بای، ۱۳۸۴: ۲۱).

موافقتنامه بارسلون (۱۹۲۱) که به‌منزله قانون اساسی رودهای بین‌المللی است، وجه تسمیه و عرفی رودهای بین‌المللی را به آبراه‌های مورد استفاده بین‌المللی تغییر داد. اساسنامه بارسلون، ضابطه اقتصادی رود را بر ضوابط عرفی (یعنی از چند سرزمین عبور کردن و قابل کشتی‌رانی بودن) افزود (همان، ۲۰).

پس از موافقتنامه بارسلون ۱۹۲۱ که ضابطه اقتصادی رودهای بین‌المللی بر سایر عوامل عرفی پیشی گرفت، توجه دولت‌ها نسبت به این موضوع بیشتر گردید. اگرچه تا کنگره ۱۸۱۵ وین، حاکمیت بر رودهای بین‌المللی مطلق بود و به حقوق سایر دولت‌ها توجه چندانی نمی‌شد؛ ولی پس از آن و به‌ویژه پس از دهه ۵۰، لزوم همکاری دولت‌های بالادست و پایین‌دست رودهای بین‌المللی در زمینه تدوین موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه، افزایش یافت (همان، ۹).

پیش از کنگره وین (۱۸۱۵)، حاکمیت بر رودها مطلق بود و به منافع سایر دولت‌ها توجه نمی‌شد. اصل همکاری بین‌الملل در بهره‌برداری از رودهای بین‌المللی برای اولین بار در همین کنگره عنوان شد. در ابتدای قرن بیستم، نظیر همین کنگره درباره اداره رودهای بین‌المللی آمریکا و کانادا و آمریکا و مکزیک تشکیل شد.

سرانجام از سال ۱۹۵۰ به بعد، در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی توجه کشورها به ایجاد دستگاه‌های بین‌المللی برای بهره‌برداری از این قبیل رودها معطوف شد. پس از جنگ جهانی دوم، تعداد کشورهای مستقل جهان چند برابر گردید و در نتیجه بر مرزهای کشورها افزوده شد و برخی رودخانه‌ها که در گذشته داخلی بودند، در شمار رودهای بین‌المللی قرار گرفتند (بای، ۱۳۸۴: ۲۰). ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، منابع حقوق بین‌المللی رودها را در قراردادهای عرف، عقاید دانشمندان حقوق، انصاف و اصول کلی می‌داند. عقاید عالمان حقوق بین‌الملل درباره رودهای بین‌المللی، پیرامون ۴ دکترین قرار گرفته است که عبارتند از: «اصل حاکمیت سرزمینی مطلق؛ اصل تمامیت ارضی مطلق؛ اصل مالکیت جمعی یا مشاع آب؛ اصل حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی محدود».

۱. اصل حاکمیت سرزمینی مطلق

طبق این اصل، بخشی از رود بین‌المللی که در سرزمین یک دولت جریان دارد، همانند آب‌های ملی بوده و آن دولت می‌تواند جریان آزادانه آن را قطع کرده و به هر روشی که صلاح بداند، در آن دخل و تصرف نماید. این اصل، موردپذیرش دولت‌های علیای رودخانه است؛ به عبارت دیگر، این گونه دولت‌ها، حقی برای خود و دیگر دولت‌ها در زمینه استفاده از رودهای بین‌المللی که از کشوری دیگر جریان می‌یابند قایل نیستند (همان، ۲۲).

۲. اصل تمامیت ارضی مطلق

اگر چه تاکید ماکس وبر بر مسئله منازعه میان کانتون‌های سوئیس در خصوص قانون فدرال بوده است؛ اما وی را به‌عنوان طلایه‌دار این تئوری تلقی می‌کنند. عقیده وی این بود که دولت‌ها باید به رودخانه‌ها اجازه دهند تا جریان طبیعی خود را طی کنند. دولت‌ها به‌هیچ‌وجه مجاز نیستند که بر

روی رودخانه اعمالی انجام دهند که سبب انحراف یا انسداد آنها شود. شنک و اوپنهایم از معتقدان اصیل دکترین بالا هستند. این اصل مورد پذیرش دولت‌های پایین‌تر رودخانه‌ها نیز است (بای، ۱۳۸۴: ۳۳ و ۳۴).

۳. اصل مالکیت جمعی و مشاع آب

این اصل از حقوق داخلی سرچشمه می‌گیرد و دانشمندان حقوق طبیعی آن را مطرح کرده‌اند. طبق این اصل، یک سازمان مشترک ساحلی، حاکمیت دولت‌ها را محدود نموده و آب رودخانه به صورت مشاع، در اختیار تمامی دولت‌های ساحلی قرار می‌گیرد. در ابتدا دکترین مالکیت جمعی به شکل اصل عبور بی‌ضرر ظاهر شد که پیشینه این اصل به عقاید گروسیوس باز می‌گردد. گروسیوس میان آب‌هایی که محدودیت خاصی نداشته و جاری‌اند و آب‌هایی که محدود هستند، تمایز قایل بود. وی به واقعیت‌های جهان اهمیت بیشتری داده و معتقد بود که رودها نمی‌توانند همانند دریاها آزاد باشند و باید تحت حاکمیت مشترک دولت‌ها قرار گیرند. به اعتقاد وی، مسئله دستیابی به رودخانه‌ها از هر دو سوی رودخانه، یعنی موافق و مخالف، باید محترم شمرده شود (همان، ۳۴ و ۳۵).

۴. اصل حاکمیت سرزمین و تمامیت ارضی محدود

طبق این اصل، حاکمیتی که کشور بر آب‌هایی که در سرزمینش قرار گرفته است اعمال می‌کند محدود است؛ یعنی هر کشور تا اندازه‌ای در استفاده از آب‌های مشترک مجاز است که موجب خسارت به کشور یا کشورهای دیگر نشود. کاراتدوری^۱ معتقد است دولت‌هایی که هیچ‌گونه دخالتی در آفرینش رودخانه‌ها نداشته‌اند، نمی‌توانند حق انحصاری نیز بر آن داشته باشند و یا با انحراف و انسداد آن، موجب خسارت و ضرر بر دیگر دولت‌ها شوند. همچنین قطعنامه مادرید (۱۹۱۱) موسسه حقوق بین‌الملل اصول زیر را مطرح می‌نماید:

الف. رودخانه‌هایی که از مرز دو دولت عبور می‌کنند، نباید بدون رضایت دو طرف تغییر یابند؛
ب. هرگونه صدمه زدن به آب ممنوع بوده و چنان‌چه استفاده هیدروالکتریک سبب تاخیر فراوان در

1. Carathodory.

جریان رود شود آن نیز ممنوع است؛

ج. حق کشتیرانی در رودهای چند سرزمینی و مرزی محفوظ است؛

د. هرگونه عملی که باعث ایجاد سیلاب در رودخانه شود، در کشور یا کشورهای دیگر ممنوع است. شولتس، حقوق دان سوئیسی، بعد از مطالعه ۴۵۵ عهدنامه از بین ۱۳۷۹ عهدنامه، نتیجه می‌گیرد که اصل حاکمیت سرزمینی محدود شده را باید به‌عنوان واقعیت جهانی کنونی پذیرفت. اسمیت^۱ حقوق دان انگلیسی نیز، معتقد است که حاکمیت و صلاحیت ملت‌ها، محدود به وارد نکردن خسارت به آنها است. همچنین قطعنامه‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۳۳ مونته‌ویدئو و ۱۹۷۵ بوئینس آیرس، هر دو، این نکته را متذکر شدند که هیچ دولتی نمی‌تواند منافع سایر دولت‌های دیگر را نادیده بگیرد (بای، ۱۳۸۴: ۳۵ و ۳۶).

اختلاف‌ها بر سر رودخانه‌های مرزی یا مسایل حوزه‌های مشترک آبی در منطقه را نمی‌توان بی‌توجه به مسایل تاریخی بسیار مهم در منطقه و روابط سیاسی دولت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بر این پایه، پرداختن به چند نکته در مورد ارزیابی روند حقوقی آب‌های مشترک منطقه ضروری می‌نماید:

(۱) قوانین ناظر به چگونگی بهره‌برداری از آب رودخانه‌های بین‌المللی بیشتر عرفی است و در بیشتر موارد به‌گونه نامنسجم و نامتجانس در مطالعات حقوقی بکار گرفته شده است؛ ولی برخی اصول را می‌توان از آنها استخراج کرد.

(۲) همه موافقتنامه‌ها در خاورمیانه به‌گونه دوجانبه بوده و تاکنون حتی یک کنوانسیون یا موافقتنامه چندجانبه در مورد بهره‌برداری از آب حوزه‌های آبی مشترک پا نگرفته است. به همین دلیل قواعد عرفی در حد تئوری باقی مانده و تاکنون هیچ‌گاه کشورها این امکان را نیافته‌اند که توانایی خود را در حل مسایل چندجانبه در زمینه آب یک مرجع حقوقی بیازمایند.

(۳) تاکنون در زمینه ترتیبات بین‌المللی و ایجاد تشکیلات حقوقی مناسبی که به‌عنوان یک مرجع حقوقی بین‌المللی در خاورمیانه بتواند به‌گونه فراگیر، مسایل مربوط به چگونگی بهره‌برداری از آب حوزه‌های آب‌گیر مشترک میان چند کشور را بررسی و حل‌وفصل کند، اقدام جدی به عمل نیامده و طبیعی است که موافقتنامه‌های دوجانبه در مورد حوزه‌هایی که ۳ یا ۴ کشور یا بیشتر در آن سهیم

1. Smit.

هستند نیز به هنگام بروز اختلاف با کشور ثالث ذی‌نفع کارساز نخواهد بود (ساری صراف، ۱۳۸۴: ۲۱۵). همچنین بحث همکاری میان دولت‌ها در مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد ذکر شده است. همکاری در عرصه حقوق بین‌الملل محیط زیست برای مقابله با پدیده‌های مخرب زیست‌محیطی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

مطابق ماده ۷ اصل پیش‌نویس برنامه محیط زیست سازمان ملل در خصوص همکاری، تبادل اطلاعات، اخطار، مشورت و سایر اشکال همکاری در خصوص منابع طبیعی مشترک بر مبنای اصل حسن‌نیت و مبتنی بر روح حسن هم‌جواری انجام می‌گیرد.

ماده ۴ طرح پیش‌نویس پیش‌گیری از آسیب‌های فرامرزی که ذیل عنوان همکاری قرار گرفته است؛ دولت‌های ذی‌ربط (دولت‌های منشا آلودگی و دولت‌های متأثر از این آلودگی‌ها) باید در راستای پیش‌گیری از آسیب‌های فرامرزی مهم و یا کاستن از خطرات ناشی از آن بر مبنای حسن‌نیت مبادرت به همکاری با یکدیگر نمایند و تا جایی که لازم است به‌دنبال مساعدت یک یا چند سازمان بین‌المللی ذی‌صلاح باشند.

آیین‌نامه آمادگی و مقابله با آثار پدیده گردوغبار (ریزگرد) در کشور نیز در ماده ۱۹ می‌گوید: سازمان جنگل‌ها، مراتع و آب‌خیزداری کشور به‌عنوان مرجع ملی کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی در کشور مکلف است با همکاری سازمان‌های حفاظت محیط زیست و هواشناسی کشور و وزارت‌خانه‌های نیرو و امور خارجه ظرف مدت ۳ ماه پیش‌نویس طرح همکاری چندجانبه کشورهای منطقه را با هدف پیش‌گیری و کنترل پدیده گرد و غبار منطقه تهیه نمایند؛ بنابراین می‌توان گفت اصل همکاری دولت‌ها در زمینه محیط زیست در اسناد و رویه قضایی موردتوجه خاص قرار گرفته است (عابدینی، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

یکی از راهکارهایی که جهت مدیریت خشکسالی انجام شده ایجاد سد ایلیسو حقوقی رودخانه دجله توسط ترکیه می‌باشد که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

ایجاد سد ایلیسو بر روی رودخانه دجله

کشور ترکیه با مساحت ۷۸۳۵۶۲ کیلومتر مربع مرز بین آسیا و اروپا بوده و دارای جمعیتی نسبتاً غیرمرفه به‌خصوص در جنوب شرقی آن می‌باشد. به‌علاوه، دارای یکی از غنی‌ترین آب‌های شیرین

در منطقه آسیا-اروپا می‌باشد و به سبب ساختار زمین‌شناسی و کوه‌های متعدد که رودخانه‌های چندی از جمله دجله از آنها سرچشمه می‌گیرد پتانسیل سدسازی را برای این کشور جهت تامین آب شرب و کشاورزی فراهم آورده است (قاسمی، ۱۳۷۴: ۵). لازم به ذکر است که ترکیه در مسیر پیوستن به اتحادیه اروپا به شرط تحقق شرایطی است که این اتحادیه به ترکیه در جهت نیل به چنین هدفی پیشنهاد نموده است.

در این راستا دولت ترکیه دست به یک سلسله اصلاحات اقتصادی، فرهنگی و ارتقا اجتماعی زده است که از آن جمله ایجاد سد ایلیسو بر روی رودخانه بین‌المللی دجله می‌باشد. این پروژه نه تنها با مقررات بین‌المللی در خصوص اصول سدسازی با در نظر گرفتن حقوق بشر و محیط زیست هم‌خوانی ندارد؛ بلکه حق دسترسی منصفانه و بی‌ضرر کشورهای پایین دستی رودخانه؛ یعنی سوریه، عراق و حتی ایران را نیز مطابق عرف بین‌الملل نقض می‌نماید. رود دجله پس از سرچشمه گرفتن از ترکیه راه خود را به سوی سوریه و سپس عراق ادامه داده و پس از پیوستن رود فرات در نزدیکی بصره به نام شط‌العرب به سوی مرز ایران سرازیر شده و پس از پیوستن رود کارون به نام اروندرود به خلیج فارس می‌ریزد.

مسیری که رودخانه می‌پیماید از نظر تاریخی حایز اهمیت بوده و سرمنشا تمدن‌های بزرگ از جمله بابل بوده و آب تالاب‌های دو طرف مرز ایران و عراق یعنی هورالعظیم و هویزه را تامین می‌نماید. کمبود آب در پایین دست رود دجله پیامدهای مخرب زیست‌محیطی در بخش‌های کشاورزی و صنعت را داشته و باعث از بین رفتن زیست‌گاه افراد و جانداران این مناطق شده و با خشک شدن تالاب‌های فوق‌الذکر که مانند سدی از بروز ریزگردها جلوگیری می‌کند باعث تشدید آن شده و دارای نتایج فرامرزی برای کشورهای این حوزه آبی است. حال سوال این‌جاست که آیا سد ایلیسو بر روی رودخانه بین‌المللی دجله مطابق با قواعد بین‌المللی مربوط به حقوق محیط زیست می‌باشد؟

در پاسخ باید گفت خیر، زیرا ترکیه در ساخت این سد اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در زمینه محیط زیست را رعایت ننموده و حق حیات، سلامتی و محیط زیست منطقه را به مخاطره افکنده است و نتایج مخرب آن فراتر از مرزهای این کشور می‌باشد.

این بخش به چند قسمت به جهت سهولت در آشنایی با موضوع تقسیم می‌گردد. بخش اول،

شامل پیشینه ساخت سد ایلیسو و قواعد بین‌المللی حاکم بر آن است. بخش دوم، به اصول و قواعد بین‌المللی در خصوص رودخانه‌های بین‌المللی می‌پردازد. بخش سوم، اصول و قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست در این خصوص را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه ساخت سد ایلیسو و قواعد بین‌المللی حاکم بر آن

آغاز روند بررسی و مطالعات پروژه سد در منطقه محروم جنوب شرقی ترکیه در سال ۱۹۵۴ کلید خورد. با پذیرش کنسرسیومی از ۷ شرکت اروپایی و سه شرکت ترکیه‌ای در دهه ۱۹۹۰ میلادی، ساخت سد ایلیسو در اوت ۲۰۰۶ شروع و در نیمه نخست سال ۲۰۱۸ به بهره‌برداری رسید. در خصوص آژانس‌های مالی دوجانبه- چندجانبه نظیر شرکت‌های اروپایی فوق‌الذکر به‌نظر می‌رسد که این موسسات اصولاً در ساخت سد و نیروگاه آبی بر روی رودخانه‌های با ماهیت فرامرزی بدون وجود معاهده و توافق کشورهای آبراهه به‌طور مستقیم خودداری نموده و صرفاً به حمایت از فعالیت‌های مرتبط با پروژه مانند توسعه کشاورزی مشارکت می‌نمایند حتی اگر از آب مربوط به پروژه استفاده شود (Unver. O, 2004: 4-5).

به‌علاوه، از قرائن بر می‌آید که اتحادیه اروپا در آغاز از این طرح که با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی خواسته شده از سوی اتحادیه هم‌خوانی داشت حمایت می‌کرد؛ ولی در حال حاضر شرایط به‌گونه دیگری است. عراق از خشکسالی و کمبود آب رنج می‌برد. ایران نیز درگیر ریزگردها است به دلیل آن‌چه آن طرف مرز رخ می‌دهد؛ یعنی کمبود آب در رودهای دجله و فرات و خشک شدن تالاب‌های واقع در دو طرف مرز و از طرف دیگر شوری آب و دیگر مصائب که موضوع را برای اتحادیه اروپا به‌گونه دیگری جلوه می‌دهد. اگر ترکیه به روند فعلی که همانا تن ندادن به درخواست‌های کشورهای همسایه به‌خصوص عراق نسبت به دادن «حق تاریخی» آنها نسبت به آب رودخانه‌های دجله و فرات عمل ننماید؛ در فردای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، این اتحادیه با مشکلات عدیده سیاسی، حقوقی و حتی اختلافات بر سر آب روبرو است که ممکن است به درگیری مسلحانه منتج گردد و در نتیجه تمام اعضا را درگیر چنین مسئله امنیتی بنماید. از این‌رو، اتحادیه اروپا طرح‌ها و اقدامات ترکیه در خصوص استفاده از منابع آبی خود را از نزدیک دنبال می‌کند (Jongerden, 2010: 15).

پارلمان اروپا در ۱۲ مارس ۲۰۰۸ در خصوص نتایج اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی و

ژئوپولیتیک سد ایلیسو به ترکیه هشدار داده و از آن درخواست نموده تا تامین آب همسایگان را مدنظر قرار داده، حقوق افراد ساکن در اطراف سد که تحت تاثیر ساخت آن قرار گرفته‌اند را محترم شمرده و در سطح محلی و منطقه‌ای با مقامات و افراد ذیربط همکاری لازم را مبذول دارند. ترکیه به‌عنوان کشور بالادستی رودخانه ادعای حاکمیت مطلق بر رودخانه می‌نماید ولی کشورهای پایین دست رودخانه به تخصیص آب بر اساس حق تاریخی و تقسیم عادلانه نگاه می‌کنند.

در گزارشی که به سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ در خصوص سد سازی در ترکیه و تاثیرات اقتصادی، فرهنگی و حقوقی- اجتماعی ارایه شده آمده است که پروژه سد ایلیسو حقوق نزدیک به ۲ میلیون تن از شهروندان ترکیه را نقض کرده است که شامل حقوق کردهای ساکن این مناطق که با دولت مرکزی دچار تنش هستند نیز می‌گردد (Heike, 2011: 3-15).

اصول و قواعد بین‌المللی در خصوص رودخانه‌های بین‌المللی

نظریه بین‌المللی کردن رودخانه‌ها اولین بار توسط گروسیوس و واتل ابراز گردید (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۳۴۲). در خصوص کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌توان به عهدنامه حقوق مربوط به استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی سال ۱۹۹۷ اشاره نمود که در اوت ۲۰۱۴ به صورت اجرایی در آمد. علت چنین تاخیری در اجرایی شدن آن استقبال کم کشورها به دلیل عدم علاقه برای پیوستن به یک معاهده چندجانبه در خصوص منابع آبی فرامرزی و دیگری ذکر عنوان منابع طبیعی مشترک بود که در تقابل با حاکمیت ملی کشورها تلقی می‌گردد (Beyene z, 2018: 4). ترکیه یکی از کشورهایی است که به دلایل فوق‌الذکر با این معاهده مخالفت نموده و آن را امضا نکرده است. در پیش‌نویس کنوانسیون که بازتاب دهنده عرف بین‌الملل می‌باشد، کمیسیون حقوق بین‌الملل بر روی کاغذ اصول موجود و در حال توسعه در خصوص استفاده از منابع آب شیرین رودخانه‌های غیر قابل کشتیرانی را احصا می‌نماید. اگرچه کنوانسیون بیان نمی‌دارد چه اصول مرتبطی جا افتاده و چه اصولی در حال توسعه می‌باشد، گنجاندن استفاده منصفانه و معقول در کنوانسیون می‌تواند به‌عنوان اصول مدون که دارای اعتبار حقوقی مسلم می‌باشد تلقی گردد. همچنین اصل توسعه پایدار نیز می‌تواند به استفاده بهینه از چنین منابعی مساعدت نماید (wissf, 2004: 418).

عدم امضای این معاهده بدین معنا نیست که ترکیه می‌تواند از اصول و قواعد بین‌المللی شانه خالی کند زیرا حقوق رودخانه‌های بین‌المللی که از خاک چند کشور عبور می‌نماید مثل رود دجله مشتمل بر قواعد عرفی بین‌المللی است که حاکم بر تمام رودخانه‌های بین‌المللی نیز می‌گردد، مانند:

۱. استفاده بی ضرر، منصفانه و معقول؛

۲. موجب ورود خسارت به دیگر کشورها نشود؛

۳. برنامه‌های جدیدی را که قصد اجرای آنها را دارد به سایر کشورهای آبراه‌ی اعلام کند؛

۴. مسایل زیست محیطی و آلودگی را رعایت کند؛

۵. هیچ یک از کشورهای آبراه‌ی مجاز نیستند مسیر رودخانه یا جریان آب آن را تغییر دهند، مگر آن‌که میان آنها توافق شده باشد؛

۶. چگونگی تقسیم منابع آب رودخانه تنها با توافق همه جانبه کشورهای آبراه‌ی امکان‌پذیر است؛

۷. تاسیس کمیسیون‌های مختلف برای نظارت و اداره امور مختلف رودخانه بر اساس توافق میان کشورهای آبراه‌ی؛

۸. کلیه کشورها اعم از آبراه‌ی دارای حق برابری رفتار یا اصل تساوی در اعمال مقررات کشور آبراه‌ی هستند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۳۴۴).

به نظر نمی‌رسد که با وجود چنین قواعد بین‌المللی ترکیه محق به استفاده مطلق از آب رود دجله بدون در نظر گرفتن حقوق تاریخی و مسلم کشورهای همسایه نسبت به استفاده از آب آن باشد.

در آرا قضایی می‌توان به پرونده گابچیکو- ناگیماروس اشاره نمود که در آن دیوان اعلام نمود که دو کشور مجارستان و اسلواکی باید با تشریک مساعی و همکاری پروژه سد را ادامه دهند. همچنین دیوان به استفاده منصفانه و تقسیم آب رودخانه‌های بین‌المللی به‌عنوان حقوق اولیه تاکید می‌نماید. می‌توان چنین نتیجه گرفت که استفاده منصفانه و معقول به‌عنوان ابزار حقوقی مهمی در جهت حل اختلافات بین‌المللی بین کشورهای آبراهه مورد استناد قرار گرفته است و در بحث بین ترکیه و همسایگان ذی‌نفع آن در حل اختلاف بر سر تقسیم آب رود دجله نیز می‌تواند حایز اهمیت فراوان باشد (Weiss F, 2004: 419).

اصول و قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست در ارتباط با سد ایلیسو

بنابر گزارش کارشناسان محیط زیست با وجود عظمت پروژه سد ایلیسو، ارزیابی‌های زیست محیطی چه در ابعاد محلی و چه در ابعاد منطقه‌ای بر روی آن انجام نگرفته است؛ به عبارت دیگر، پیشگیری که یکی از اصول مهم در حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد رعایت نگردیده است. از طرف دیگر با آب‌گیری سد مقدار کمتری آب به کشورهای پایین دست رسیده که این امر موجب نه‌تنها تنش آبی در کشوری مثل عراق می‌گردد بلکه سبب تشدید بیابان‌زایی در منطقه‌ای که خشک تلقی شده و در نتیجه پدیدآورنده طوفان ریزگرد می‌گردد. چنین پدیده‌ای مرزهای سیاسی را در نوردیده و مناطق دیگر از جمله ایران بالاخص قسمت غربی کشور را با تشدید بحران جدی ریزگرد مواجه خواهد نمود. آلودگی ریزگردی، به سرعت ۸ متر بر ثانیه (باد) و دید زیر ۱۰۰۰ متر اطلاق می‌گردد. ریزگردها دارای دو منشا می‌باشند: منشا بیابانی و منشا تالابی. ریزگردهای ایران از نوع دوم می‌باشد.

مبارزه با بیابان‌زایی در کنار تغییرات اقلیمی و از دست رفتن تنوع زیست محیطی به‌عنوان چالش‌های پیش روی توسعه پایدار در خلال کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ موردتوجه قرار گرفت. کنوانسیون ۱۹۹۴ مقابله با بیابان‌زایی سازمان ملل متحد تنها توافق الزام آور بین‌المللی است که بین محیط زیست و توسعه برای مدیریت پایدار کره زمین ارتباط برقرار می‌کند. هدف دیگر آن بهبود وضع افرادی است که در سرزمین‌های خشک زندگی می‌کنند. روندی که ترکیه در بستن آب رود فرامرزی دجله در پیش گرفته بر خلاف این کنوانسیون می‌باشد؛ زیرا موجب تبدیل شدن مناطق عراق و سوریه و حتی ایران به بیابان لم‌یزرع به‌خصوص در بحث تالاب‌های واقع در جنوب ایران و عراق می‌گردد.

در خصوص تالاب‌های در معرض خطر ایران و عراق می‌توان به کنوانسیون ۱۹۷۱ رامسر اشاره نمود که در آن به حفظ و استفاده پایدار از تالاب‌ها تاکید می‌کند. خشک شدن تالاب‌ها مشکلات عدیده‌ای از جمله مهاجرت در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی؛ شوری آب خلیج فارس؛ تشدید بحران ریزگرد و در معرض خطر قرار گرفتن حیات جانوری منطقه را به همراه دارد.

از اصول حقوقی بین‌المللی مرتبط با سد ایلیسو و مشکلات ایجاد شده فرامرزی آن می‌توان به استفاده غیر زیان بار از سرزمین، اصل احتیاط، اصل پیشگیری، اصل تعهد به اطلاع رسانی و

همکاری، اصل توسعه پایدار؛ اصل تعهد به مراقبت و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت اشاره نمود. در دو قضیه تریل اسملتر و تنگه کورفو به منع استفاده زیان بار از سرزمین و مسئولیت بین‌المللی کشور ناقض آن اشاره شده است. این مسئله می‌تواند زنگ خطری برای کشور ترکیه محسوب شود؛ هر چند با اوضاع سیاسی و تنش‌آلودی که در عراق و سوریه وجود دارد طرح شکایت از ترکیه بر این اساس در آینده‌ای نزدیک امری دور از ذهن می‌نماید؛ ولی به نظر می‌رسد که با نگاه حقوقی امر طرح شکایت برای دولت جمهوری اسلامی ایران با رعایت جوانب حقوقی و (سیاسی) و بر اساس اصول فوق‌الذکر به‌ویژه اصل منع استفاده زیان بار از سرزمین امکان‌پذیر باشد.

پس با توجه به اصول و قواعد بین‌المللی از جمله عرف بین‌الملل، کشور ترکیه به تعهدات خود عمل نکرده و بدون ارزیابی کارشناسی صحیح زیست‌محیطی، حقوق بشری و اصول استفاده منصفانه و عادلانه از رودخانه‌های بین‌المللی اقدام به ساخت سد ایلیسو بر روی رود دجله نموده است. این سد که یکی از مناقشه برانگیزترین پروژه‌های بین‌المللی در نوع خود می‌باشد تنها بر اساس ادعای حق حاکمیت ترکیه بر منابع طبیعی خود بدون در نظر گرفتن این نکته که رود دجله یک رودخانه بین‌المللی بوده و بر اساس عرف بین‌الملل و «حق تاریخی» کشورهای پایین دست حق دسترسی منصفانه به آب آن را دارند ساخته شده است. به‌علاوه، بنابر اصل منع استفاده زیان بار از سرزمین، کشور ترکیه با ساخت این سد به محیط زیست منطقه خسارات جبران‌ناپذیری وارد آورده است (Heike, 2011: 3-15).

بنابراین، دولت ترکیه باید به اصول عرف بین‌الملل عمل نموده و با کشورهای همسایه جهت نیل به یک معاهده بین‌المللی بر اساس اصول انصاف و تقسیم عادلانه همت گمارد تا از تبعات زیست‌محیطی و امنیتی که منطقه را به خطر انداخته جلوگیری نماید. بحران آب امروزه به یکی از چالش‌های بین‌المللی تبدیل گردیده و روزبه‌روز بر وخامت آن افزوده می‌گردد.

مسئله ریزگردها به‌عنوان تهدید زیست‌محیطی جدید

ریزگرد مجموعه‌ای از ذرات گردوغبار (با قطر کمتر از ۵ میکرون) و خاک خشک معلق در قالب سیلت، رس و گاه شن‌ریز است که آلودگی هوا، کاهش دید افقی و تهدید سلامت انسان‌ها به‌ویژه بیماران تنفسی را در پی دارد؛ و بیشتر هنگام خشکی هوا و فصول گرم نمود می‌یابد. درباره پیدایش

ریزگرد و خاستگاه آن، زمینه‌ها و عوامل متعددی را برشمرده‌اند که تقریباً فصل مشترک همه آنها گرمایش زمین، دگرگونی‌های اقلیمی، تغییر الگوی بارش، بی‌توجهی به توسعه پایدار به‌ویژه در قالب مدیریت نادرست آب، تغییر جهت مسیر رودها در قالب سدسازی و انتقال میان حوضه‌ای آب رودها، ویرانی زیست‌گاه‌ها، جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی و گسترش کویرها بوده است. پدیده‌ای که در کشورهای واقع بر کمربند خشک گیتی نمود فزاینده‌تری داشته به‌گونه‌ای که کمبود بارش و تبخیر بالا شناسه‌های بنیادی آب و هوای چنین کشورهایی است.

در این مناطق فرسایش خاک پدیده طبیعی است؛ اما طی چند دهه اخیر برآمده از عواملی که قبلاً به آنها اشاره شد؛ فرسایش خاک یعنی فرسایش بادی فزاینده‌تری یافته است که ریزگرد یکی از پیامدهای آن به‌شمار می‌رود. ذرات ریزگرد به دلیل سبکی در صورت فراهم بودن اوضاع جوی و وزشی، گاه فرسنگ‌ها در هوا معلق مانده و می‌تواند صدها کیلومتر راه بپیماید.

کارشناسان پیامدهای ریزگرد را در قالب کاهش دید و لغو پرواز هواپیماها، مشکلات تنفسی (آسم و التهاب ریه)، شکنندگی زیست بوم‌ها، تغییر چرخه‌های زیستی، نابودی پوشش گیاهی، کاهش کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی، تعطیلی ادارات و مدارس، کاهش منابع آب (نابودی منابع آب)، آشفته‌سازی سیگنال‌های تلویزیونی و عملکرد نیروگاه‌های برق، افزایش شمار مراجعات به درمانگاه‌ها به دلیل مشکلات تنفسی، کوچ ساکنان، تهی شدن روستاها و غیره برشمرده‌اند. هم‌چنین دو خاستگاه درون و برون مرزی را برای ریزگردها شناسایی کرده‌اند؛ مثلاً خاستگاه این گرد و غبارها در ایران به بخش‌هایی از عراق، سوریه، عربستان، خوزستان، شرق کشور و پهنه‌های ساحلی خشک شده جازموریان باز می‌گردد.

در این میان، کشورهای عراق، سوریه، عربستان و مصر نقش و نمود بیشتری در پیدایش چشمه‌های تولید گرد و غبار عربی داشته‌اند. ترکیه سال‌هاست که با اجرای طرح گاپ و ساخت سدهای کلان، ورود آب به سوریه و عراق را به شدت کاسته که این کنش نقش مهمی در افت فزاینده منابع آب دجله و فرات داشته است؛ به‌گونه‌ای که امروزه عراق بیش از ۸ میلیون هکتار کانون گردوغبار دارد. دولت عراق نیز در زمان صدام با کانال کشی و انتقال آب رود دجله باعث شده بود آب این رود به شدت فرو بکاهد؛ در نتیجه این کاهش شماری از تالاب‌های منطقه خشکیده و بیابان‌های آن گسترش فراوانی داشته است.

از دیگر سو، عربستان که در اندیشه خودکفایی در تولید گندم بود به برداشت آب‌های فسیلی از ژرفای ۱۰۰۰ متری پرداخت که پس از مدتی با ته کشیدن منابع آب، این خواست بلند پروازانه یا به سختی رساتر ماجراجویانه برآورده نشد؛ اما پیامدهای ناگواری در قالب افت آبخوان‌ها یا سفره‌های آب زیرزمینی این کشور و تشدید بیابان‌زایی بر جای گذارد، به گونه‌ای که با کمترین وزش باد، غبار بزرگ و بلندی برمی‌خیزد که حتی تا نواحی مرکزی ایران نیز پیش می‌آید. اگرچه این کشور امروزه نزدیک به ۱۱ میلیون هکتار کانون گرد و غبار دارد؛ اما عربستان و دیگر کشورهای تاکنون در پیکار با این پدیده زیست‌محیطی گام‌های جدی برداشته‌اند.

همکاری ایران با عراق نیز برای رویارویی با این پدیده نتیجه شایسته‌ای به دنبال نداشته است؛ به‌ویژه آن‌که این کشور درگیر بحران‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی بوده و در چند سال اخیر نیز بیش از یک سوم خاک عراق توسط گروه تروریستی داعش اشغال شده بود که حاکمیت فراگیر دولت مرکزی این کشور را بر مناطق و کانون‌های ریزگرد با مشکل مواجه ساخته و از همه مهمتر اولویت مسایل امنیتی بر چالش‌های زیست‌محیطی، راهکاریابی مسئله را دشوار کرده است. این در حالی است که عراق با ۱۳ میلیون هکتار کانون تولید گرد و غبار، اصلی‌ترین خاستگاه آلوده ساز در منطقه است.

طی یک‌ونیم دهه اخیر برخاسته از دگرگونی‌های اقلیمی، خشکسالی‌های پیاپی، تغییر الگوی بارش، ناکارآمدی مدیریت جاری منابع آب، افت سطح آب آبخوان‌ها، تغییر مسیر رودها، نابودی رستنی‌ها و غیره، محیط زیست و توانش‌های بوم‌شناسی بسیاری از جوامع به‌ویژه کشورهای خشک و نیمه خشک به شدت شکننده شده و هزینه‌های کلان جانی و مالی بر این کشورها که بیشتر نیز فقیر هستند تحمیل کرده است. منطقه خاورمیانه برخاسته از عوامل برشمرده تازش‌گاه ریزگردهایی بوده که امنیت زیست‌محیطی آنها را به چالش کشانده است.

بر بنیاد برآوردهای موجود بخش بنیادی ریزگردهای آلوده‌ساز که با آغاز فصل گرما شروع می‌شود، خاستگاه برون مرزی به‌ویژه در کشورهای عراق، سوریه و عربستان دارد که در این میان، کشور عراق طی دو دهه گذشته به علل ویرانی محیط زیست در جنوب و غرب کشور، کاهش اندازه آب ورودی دجله و فرات، تداوم بی‌ثباتی و جنگ با داعش، بیشترین نقش را در تولید ریزگرد و آلودن هوای شهرهای ایران داشته است.

با توجه به وضعیت موجود، هرگونه برنامه‌ریزی در حوزه محیط زیست در این کشور ماهیت تجملی و ناواقعی خواهد داشت. از این‌رو تا زمانی که این کشور درگیر بی‌ثباتی داخلی است نمی‌توان به بهبود محیط زیست این کشور امید داشت. سوریه نیز وضعیتی بهتر از عراق ندارد. عربستان هم تاکنون تمایلی برای همراهی با ایران برای مقابله با ریزگرد نداشته است. موضوعی که بیشتر برخاسته از رویکرد ایدئولوژیک این کشور نسبت به جمهوری اسلامی ایران است؛ اما واقعیت آن است که هزینه‌ای که نامنی زیست محیطی بر این کشورها تحمیل می‌کند در عرصه عمل آشکارتر و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بسیار کلان است.

از این‌رو، وضعیت موجود پایدار نخواهد بود و کشورهای خاورمیانه ناگزیر از تغییر رویکرد موجود و پرداختن به امنیت زیست محیطی خود هستند (کاوایانی راد، ۱۳۹۵: ۶-۷).

نتیجه‌گیری

اگر چه دو سوم کره زمین را آب پوشانده؛ اما بیش از ۹۷ درصد حجم آن در اقیانوس‌ها و دریاها قرار داشته که شور و تقریباً بلااستفاده است. حجم آب شیرین زمین تنها ۳۵ میلیون کیلومتر مکعب برآورد شده که بخش اعظم آن به‌صورت یخ‌های قطبی یا آب‌های زیرزمینی دور از دسترس بشر است. هم‌چنین تنها ۲۵ درصد از کل آب‌های شیرین به‌صورت جاری و روی زمین‌اند.

پراکندگی جغرافیایی آب در دنیا نیز چندان عادلانه نیست. خاورمیانه و شمال آفریقا با ۵/۶ درصد از جمعیت دنیا تنها ۰/۵ درصد از منابع تجدیدپذیر را به خود اختصاص داده، درحالی‌که آمریکای لاتین و کشورهای حوضه دریای کارائیب با ۸/۶ درصد جمعیت دنیا بیش از ۳۲ درصد منابع آبی را در اختیار دارند.

دست‌اندازی انسان در طبیعت و فروسایبی آن، تباهی منابع، ناپدید شدن گونه‌های ارزشمند جانوری و گیاهی، گسیختگی زنجیره زیست‌مندان و زیست‌کره را در پی داشته است. از دو دهه پیش‌تر تا دست کم چند دهه آینده، پدیده تغییر آب و هوا و دگرگونی الگوی بارش پیونددار با آن، امنیت زیست کره را در قالب افزایش دما، فزاینده‌گی تبخیر و تغذیه‌گی و خشکسالی‌های پیاپی تهدید می‌کند.

در کنار این تهدید جهانی، به‌صورت محلی نیز دست‌اندازی‌های ناروا و فزاینده در طبیعت و

فروسایی گسترده بنیادهای زیستی برخاسته از کنش انسانی به گسترش تهدیدهای زیست محیطی انجامیده است.

بنیادهای زیست کره، فرایندی پیوندی، متعادل، مکمل و زنجیره‌وار دارند. در صورت آشفتگی این تعادل و گسستگی این زنجیره، سراسر زیست کره با بحران روبرو می‌شود. هر چند که طبیعت توان خودپالایی و خودسازی دارد؛ اما یافته‌ها گویای آن هستند که این توان محیطی، پایدار و بی‌کران نیست؛ به گونه‌ای که دست کم طی چند دهه اخیر برخاسته از دست‌اندازی و فروسایی‌های گسترده و فزاینده انسان در طبیعت، پدیده تغییر آب و هوا و دگرگونی الگوی بارش، نظام طبیعت دیگر سر سازگاری با انسان ناسازگار را ندارد.

طبق برآورد سازمان ملل و با ادامه روند فعلی تا سال ۲۰۲۵ حدود دو سوم جمعیت جهان با تهدید کم‌آبی و ۱/۸ میلیارد نفر با مشکل جدی بی‌آبی روبرو خواهند بود. نقشه‌های جغرافیایی نشان می‌دهند که این مشکل بیش از سایر مناطق به خاورمیانه و شمال آفریقا مربوط می‌شوند. از این رو کمبود آب احتمالاً به بزرگ‌ترین بحران بشر در آینده‌ای نزدیک تبدیل خواهد شد که مستقیماً با زندگی انسان سروکار دارد.

خشکسالی باعث قحطی‌های طولانی مدت و مزمن در کشورها می‌شود و می‌تواند رشد و توسعه کشورها را تحت تاثیر قرار دهد. از طرف دیگر کمبود آب موجب نابودی زیست‌گاه‌ها و انقراض انواع موجودات شده و به این ترتیب چرخه حیات را دست‌خوش تغییرات بنیادی می‌کند.

در ۲۰ سال گذشته بیش از نصف تالاب‌های کره زمین خشک شده‌اند. این تالاب‌ها علاوه بر اهمیت ویژه کشاورزی مخصوصاً کشت برنج که منبع تغذیه بخش مهمی از جمعیت دنیا است، محل زندگی بسیاری از موجودات زنده‌اند.

کمبود آب در آینده‌ای نزدیک می‌تواند به بزرگ‌ترین منشا درگیری‌های سیاسی تبدیل شود. در برخی از مناطق که بحران شدت گرفته، نشانه‌هایی از این تعارضات بین‌المللی دیده می‌شوند و در برخی از موارد این مسایل به بستری برای ایجاد بحرانی بزرگ تبدیل شده‌اند.

مناقشات سوریه و عراق بر سر فرات و حتی تصاحب جولان توسط اسرائیل از جمله این درگیری‌ها محسوب می‌شوند. در عین حال باید توجه داشت که بیش از ۷۰ درصد از منابع آبی در مناطق مرزی کشورها و به‌صورت مشترک وجود دارند که این امر می‌تواند بر شدت درگیری‌ها بیافزاید.

بر بنیاد یافته‌های جدید، اکثر کشورهای خاورمیانه کمابیش در معرض تهدید ناامنی زیست محیطی برخاسته از ریزگرد هستند. عنصر تهدید مشترک در بیشتر موارد، زمینه همبستگی و همگرایی واحدهای سیاسی - فضایی است که به‌تنهایی از پس عامل تهدید بر نمی‌آیند؛ زیرا نتیجه شایسته به دست نخواهد آمد و هزینه رویارویی نیز بسیار کلان خواهد بود.

داده‌های موجود نشان می‌دهند که منطقه خاورمیانه، به‌واسطه وجود علائق ژئوپلیتیکی متفاوت، وجود منابع هیدروکربنی، مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای، کشمکش و قلمروگستری ایدئولوژیک کشورهای منطقه‌ای و غیره دست‌کم طی ۴ دهه اخیر نتوانسته‌اند به یک سازمان منطقه‌ای کارآمد دست یابند و اساساً عوامل و زمینه‌های واگرایی بیش از همگرایی بوده است.

داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهند که کشورهای منطقه همگی در برابر تهدید امنیت زیست محیطی به‌ویژه در حوزه ریزگرد آسیب‌پذیر هستند و به‌تنهایی نیز از پس این تهدید بر نمی‌آیند. در این منطقه بحران ریزگردها می‌تواند برای امنیت زیست‌محیطی کشورهای موجود در مقیاس ملی و فروملی تهدید تلقی شود که رفع آن نیازمند همکاری همه کشورهای منطقه است.

بر این پایه دیپلماسی زیست محیطی می‌تواند زمینه تشکیل یک سازه یا سازمان ژئوپلیتیکی منطقه‌ای شود که چه‌بسا در آینده، بنیاد همکاری در دیگر حوزه‌ها نیز قرار بگیرد.

این درحالی است که راهکارهایی پدیده زیست‌محیطی ریزگردها نیازمند همکاری منطقه‌ای برای پیکار با پدیده ریزگرد و گسترش بیابان‌هاست؛ که هنوز سازمان منطقه‌ای برای رویارویی با این پدیده در منطقه خاورمیانه ایجاد نشده است.

فهرست منابع:

۱. استار، جویس (۱۳۷۱)، «بحران آب زمینه‌ساز درگیری‌های آینده در خاورمیانه»، ترجمه ا. طباطبایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۶، شماره ۵۶ و ۵۵.
۲. اطاعت، جواد (۱۳۷۴)، ویژگی‌های ژئوپلیتیک خاورمیانه؛ سلسه مقالات خاورمیانه شناسی، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۳. بای، یارمحمد (۱۳۸۴)، هیدروپولیتیک رودهای مرزی، تهران: موسسه ابرار معاصر.
۴. بیرمونت، پیتر و جرالد بلیک و مالکوم واک استاف (۱۳۶۹)، خاورمیانه، محسن مدیر شانه‌چی، تهران: آستان قدس رضوی.
۵. خوشرفتار، رضا (بی‌تا)، «ژئوپلیتیک و منابع آب خاورمیانه»، رشد آموزش جغرافیا، سال ۹، شماره ۳۴.
۶. ساری صراف، بهروز (۱۳۸۴)، «بحران آب و همکاری‌های بین‌المللی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۹، شماره ۱۲ و ۱۱.
۷. شفیع، مسعود (۱۳۹۱)، منابع آب در جهان و منطقه خاورمیانه با تاملی بر وضعیت ایران، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
۸. شهاب‌الملک فرد، جعفر (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل خشکی و خشکسالی و چگونگی مقابله با آن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۸، شماره ۱۰ و ۹.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش.
۱۰. عابدینی، عدا... (۱۳۸۹)، «تعهد به همکاری بین‌المللی در مقابله با هجوم ریزگردها به ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال ۹، شماره ۱۸.
۱۱. فرشادگهر، ناصر (۱۳۶۷)، نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروند، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۲. فغانی، حجت‌ا... (۱۳۷۸)، ابعاد سیاسی - امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۳. قاسمی، صابر (۱۳۷۴)، کتاب سبز ترکیه، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۴. قسامی پور، سهیلا (۱۳۸۸)، خلاصه مقالات همایش ملی مدیریت بحران آب، مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
۱۵. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۶)، «خشکیدن تالاب‌ها، بستر پایدارسازی آلودگی هوای کلان شهرها»، ماه نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۷۱.
۱۶. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۵)، «همکاری‌های منطقه‌ای؛ راه‌کاری برای مسئله ریزگردها»، ماه نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۵۲.
۱۷. کاویانی راد، مراد (۱۳۹۴)، «نابودی منابع و چالش امنیت زیست‌محیطی»، ماه نگار راهبردی دیده‌بان امنیت

ملی، شماره ۳۹.

۱۸. مدرس، فرشته و فرشته اشرف و لقا... فنائیان (۱۳۵۸)، ملاحظاتی چند درباره خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹. نهازی، غلامحسین (۱۳۷۸)، بحران آب در خاورمیانه، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

20. Beyene Z, Wadley. (2018), I. Common Goods and the Common Good Transboundary Natural Resources Principled Cooperation and the Nile Basin Initiative. the Scholarship Repository. [serial on the Internet]. available from: <http://escholarship.org/uc/item/9492s0k4>.

21. Heike, Drillischparallel. (2011), Report in response to the Initial Report by the Republic of Turkey on the Implementation of the International Covenant On Economic, Social and Cultural Rights. homepage on the Internet. Potsdam: GegenStromung. (2011) [updated 2011 Mar 14; cited 2018 Jul 14]. Available from: https://www.gegenstroemung.org/drupal/sites/default/files/CESCR_Parallel%20report%20by%20CounterCurrent%20on%20Turkish%20dams_2011-03-15.pdf.

22. Jongerden, J.(2010), Dams and Politics in Turkey: Utilizing Water, Developing Conflict. Middle East Policy Council, XVII(1).

23. Tortajada C, Biswas AK, editors. (2008), Water Resources Development and Management. Berlin: Springer.

24. Unver O Tortajada C, Biswas AK, editors. (2004), Water as a Focus for Regional Development, Delhi: Oxford University Press.

25. Weiss F, Schrijver N, Editors. (2004), International Law and Sustainable Development: Principles and Practice. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.